

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

# هویت شناسی فقه و فقه تمدنی

ضَاعَ مَنْ كَانَ لَهُ مَقْصَدٌ غَيْرُ اللَّهِ

## شناسنامه بحث:

- معاشناسی فقه
- قلمرو فقه
- تعریف تمدن
- معاشناسی فقه تمدنی
- لوازم و نتایج فقه تمدنی

## معناشناسی فقه:

○ اصطلاح فقه در سنت اسلامی:

۱- فقه در اصطلاح قرآن و روایات: به معنای شناخت همه معارف دین (اعم از عقاید، احکام و اخلاق)

۲- فقه در لسان متشرعان: شناخت بخشی از دین (احکام). این معنی به دلیل تولید رشته های علوم اسلامی و تخصصی شدن شاخه های علمی و نیز کاربرد زیاد، درباره احکام فرعی حقیقتی دیگر یافت.

○ کاربرد فقه در معنای شناخت احکام دین:

الف) احکام شرعی منعکس در رساله های عملیه.

ب) دانش اجتهادی، که معنای مورد نظر ما در این نوشتار است.

# تعریف فقه:

## ○ تعریف فقه:

فقه به عنوان دانشی مستقل با ماهیتی تجویزی عبارت است از: علم به احکام شرعیه عملیه که از راه ادله تفصیلیه به دست آید.  
(الفقه هو العلم بالاحکام الشرعیة الفرعیة (العملیة) المكتسبة عن ادلتها التفصیلیة بالاستدلال).

## ○ موضوع فقه:

موضوع دانش فقه نیز افعال مکلفان است بنابراین می توان گفت که موضوع فقه، رفتارهای مکلفان است. دو عنصر رفتار و مکلف نقش اساسی در دانش فقه دارد.

## اول: حدود و قلمرو دانش فقه

- فقه دانشی است که درصدد است حکم شرعی (تکلیفی و وضعی) رفتارهای اختیاری مکلفان را در همه گونه های رفتاری تعیین کند.
- بر مبنای «جامعیت شریعت»، همه رفتارهای جوارحی و جوانحی، فردی و اجتماعی در گستره فقه قرار می گیرد.

## فقه و رفتار های انسان:

آیا موضوع فقه شامل همه گونه های رفتاری می شود؟  
رفتارهای انسان تقسیم های متعددی دارد، مانند قیامی، صدوری؛  
جوارحی، جوانحی؛ طبیعی، ارادی، جبری؛ فعل، ترک.  
همچنین بر اساس حوزه رفتاری تقسیماتی دارد مانند رفتار  
فردی اجتماعی، اجتماعی در مقیاس خانواده، محله، شهر  
،کشور و جهانی و تمدنی  
قلمرو فقه شامل هر رفتاری از انسان که اختیاری باشد و فاعل آن  
شرایط تکلیف را داشته باشد، می شود.

# فقه و مسئولیت پذیری:

انواع مکلف (شخصیت حقیقی یا حقوقی):

- شخصیت حقیقی و واقعی که بر اساس آن مخاطب تکالیف قرار می گیرد
- شخصیت حقوقی یکی از مفاهیم اعتباری است که بر اساس نیازهای خاصی بوجود آمده است مثل پیدایش خانواده، تشکیل دولت، صحنه های حقوقی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی،
- شخص حقیقی هرگاه ضمن شخص حقوقی فرض شود دارای تکالیف خاصی میشود مثلاً حسن که مدیر است واجب است عالم باشد
- بعضی از عناوین حقوقی مکلف در فقه مورد غفلت بوده است مثل حیث شهروندی قبل از مطرح شدن فقه حکومتی

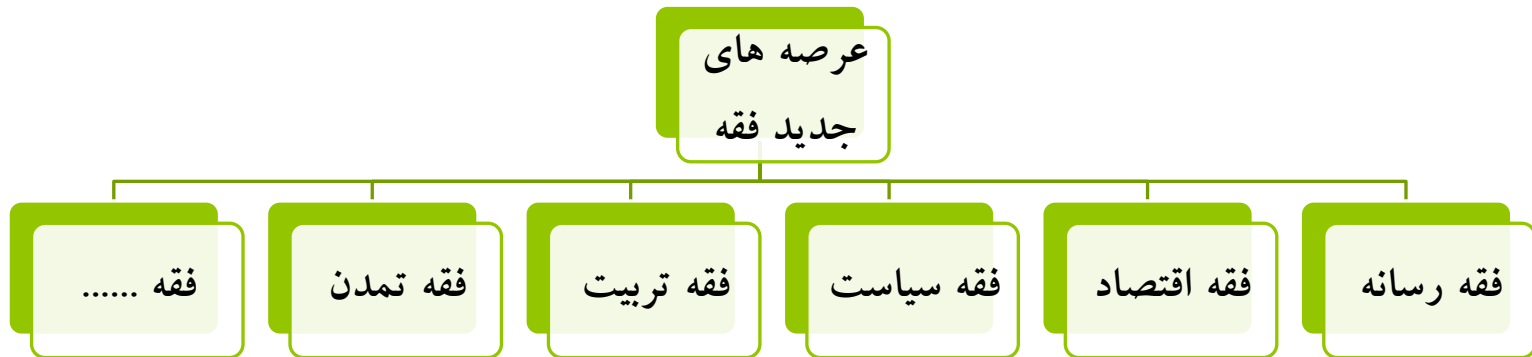
## رابطه فقه و تمدن:

آیا موضوع فقه شامل عرصه تمدن می شود؟

- دین برای اداره زندگی انسان در تمام جوانب آمده است (دین حد اکثری)
- تمدن برجسته ترین حیثیت زندگی انسان است.
- پس فقه شامل احکام تمدنی است.



# فقه و عرصه های جدید:



## محمولها در فقه:

○ محمول گزاره های فقهی، احکام شرعی است و احکام شرعی، اعتبارات و مجعولاتی است که توسط شارع یا حکم عقل یا عقلا برای مکلفان تعیین می گردد.

○ حکم شرعی بر دو قسم است:  
حکم تکلیفی: که انشایی است به انگیزه برانگیختن (بعث) یا بازداشتن (زجر) مکلف از عملی یا ترخیص در آن.  
این احکام به طور مستقیم به افعال مکلفان تعلق می گیرد و موافقت یا مخالفت با آنها باعث ثواب و عقاب می شود.

۲. حکم وضعی: حکمی که به طور غیر مستقیم بر اعمال و رفتار انسان اثر می گذرد و موضوع آن «کل شیء» است.

○ اصولیان حکم تکلیفی و وضعی را تفنن در تعبیر نمی دانند؛  
و درباره ماهیت جعل حکم وضعی، سه دیدگاه وجود دارد:  
انتزاعی، جعل استقلالی، تفصیلی.

## هویت تمدن:

- جنس: شبکه پایدار سیستم های زندگی جمعی
- فصل: دارای ساختار مبتنی بر هرم نیازها + دارای فرآیندهای سه گانه معرفتی، فرهنگی، قانونی
- که منجر به: معرفت افزائی رو به بی نهایت شود (حس حضور خدا)

بنابراین:

- **تمدن** = ساختارها و سیستم های معرفتی، قانونی و فرهنگی بهم پیوسته که فرآیندهای آن بتواند تمام ابعاد و لایه های هرم نیازهای انسان را به صورت پایدار پوشش دهد.

## تعریف فقه تمدنی:

تعیین حکم فعل مُکَلَّف در مقیاسِ «تولید، استقرار، نگهداری و توسعه» یک تمدن

فقه تمدنی = تعیین حکم فعل مکلف در مقیاس جامعه‌سازی

فقه تمدنی = تعیین حکم ساختارها و فرآیندهای جامعه‌سازی

فقه تمدنی = ارتقاء تعامل «تکلیفی فردی حقوقی» با گزاره‌های دین، به تعاملِ «ارشادی جمعی فرهنگی»

## لوازم و نتایج فقه تمدنی:

۱. دست یابی به ظرفیت راهبردی گزاره های دین
۲. ارتقاء مسأله شناسی و موضوع شناسی از موضوعات عرفی فردی به سطح موضوعات کلان اجتماعی (خانواده، سازمان، محله، شهر، کشور، بین الملل، تمدنی)
۳. توسعه حکم شناسی از حکم تکلیفی فقط، به احکام وضعی در مقیاس کلان (شرایط صحت و فساد ساختارها و فرایندها)
۴. ورود گزاره های ارشادی و مستحبات و مکروهات در حیطة استنباط به عنوان الزامات فرهنگی
۵. توسعه دائره مکلف فردی، به کلیه شهروندان یک جامعه و به تمام فرآیندهای زندگی مکلفین

والحمد لله رب العالمین